

**بررسی تطبیقی شاخص‌ها، مولفه‌ها و مصادیق حقوق بشر
در ایران و غرب (آمریکا و انگلیس)**

مولفان

ارشاد شکری - ابوالفضل میرزاپورارسکی

انتشارات اسرار علم

۱۳۹۲

عنوان و نام پدیدآور : بررسی تطبیقی شاخص‌ها، مولفه‌ها و مصادیق حقوق بشر در ایران و غرب (آمریکا و انگلیس) / مولفان ارشاد شکری، ابوالفضل میرزایی ورامکی.

مشخصات ظاهری : ۱۰۸ ص.

وضعیت درست نوبسی : فیفا

موضوع : حقوق بشر -- ایران

موضوع : حقوق بشر -- ایالات متحدہ

موضوع : حقوق بشر -- انگلستان

موضوع : حقوق تطبیقی

موضوع : حقوق بشر

شناسه الزوده : میرزاہور ارمکی، ابوالفضل، ۱۳۶۴ -

رده بندی کشوره : JC۵۹۹ / ۸ شهریور ۱۳۹۲

برده بندی دیوی : ۹۵۵/-۳۲۳

شماره کتابشناسی ملی : ۳۱۴۴۹۱



فتاویٰ اسلامیہ

پروسی تطبیقی شاخص‌ها، مؤلفه‌ها و مصادیق حقوق بشر در ایران و غرب (آمریکا و انگلیس)

گردآوری : ارشاد شکری - ابوالفضل میرزاپور ارمکی

صفحه آرایي : مؤسسه فرهنگي هنري طنين واژه هنر

نوبت چاپ : اول - ۱۳۹۲

تیسرا : ۱۰۰۰ نسخہ

ناشر : انتشارات اسرار علم

جیساپ : صادق

شماره: ۹۷۸-۶۰۰-۹۳۳۷۳-۸-۵

قیمت : ۴۵۰۰ تومان

تهران، میدان فاطمی، خیابان شهید گمنام، کوچه ۲/۱، پلاک ۹۲

ለለፃፍ ዕዝፋ - ለለፃሃኝ ልክ

فهرست مطالب

۷.....	مقدمه
۹.....	مفهوم شناسی و چیستی حقوق بشر
۱۰.....	مهمترین اسناد بین‌المللی حقوق بشر
۱۳.....	ماهیت تفاوت معاهدات حقوق بشری
۱۳.....	دیدگاه‌های نظری تفاوت در زمینه حقوق بشر
۱۵.....	نسبی گرایی حقوق بشر
۱۹.....	جهانشمولی حقوق بشر
۲۶.....	جهانشمولی در سرشت وجودی و جدپذیری در اعمال حقوق بشر
۳۲.....	حقوق بشر از منظر مقام معظم رهبری
۳۳.....	حقوق بشر در اسلام و آموزه‌های قرآنی
۳۳.....	حقوق انسان
۳۵.....	تساوی حقوق انسان‌ها
۳۵.....	دفاع از حقوق انسان
۳۶.....	محدوده حقوق انسان
۳۷.....	مصادیق قرآنی حقوق انسان
۳۷.....	حق حیات
۳۸.....	قصاص
۳۸.....	امنیت
۳۸.....	آزادی
۴۰.....	آگاهی (اتمام حجت)
۴۰.....	مصادیق دیگر حقوق انسان در قرآن
۴۰.....	فهرست حقوق بشر تحت الحمايه قوانين و مقررات بين المللی
۴۳.....	بررسی تشابهات و تفاوت‌های کلی حقوق بشر اسلامی و ایرانی با حقوق بشر غربی

۴۳	اصول مشترک (حقوق پنج گانه بنیادین).....
۴۴	تفاوت‌های بنیادین.....
۴۵	مفهوم حق و تکلیف در جمهوری اسلامی ایران.....
۵۰	انواع روش‌های بررسی شاخص‌های حقوق بشری.....
۵۰	الف- بررسی حقوق بشر از منظر قواعد کلی.....
۵۰	ب- بررسی حقوق بشر در عمل.....
	بررسی شاخص‌های حقوق بشری در سه کشور آمریکا، انگلیس و ایران از منظر نهادهای
۵۲	آمار غربی.....
۵۲	مقیاس ترور سیاسی.....
	مقایسه شاخص‌ها، مصادیق و مولفه‌های حقوق بشری در سه کشور آمریکا، انگلیس و ایران
۵۵	بر پایه شواهد و حقایق موجود.....
۵۸	مقایسه اصول و قواعد کلی حاکم بر شاخص‌های حقوق بشری.....
۵۸	۱- حقوق مدنی و سیاسی.....
۵۸	۱-۲ حق حیات.....
۵۹	۱-۳ آزادی عقیده و مذهب.....
۶۲	۱-۴ عدم تبعیض.....
۶۳	۱-۵ حقوق زن.....
۶۴	۱-۶ حقوق کودک.....
۶۵	۱-۷ حقوق اقلیت‌ها.....
۶۵	۱-۸ حق محکمه و محاکمه عادلانه.....
۶۶	۱-۹ منع بردگی.....
۶۶	۱-۱۰ آزادی مطبوعات.....
۶۷	۱-۱۱ آزادی تشکیل اجتماعات و احزاب.....
۶۸	۲- حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی.....
۷۲	بررسی وضعیت شاخص‌های حقوق بشری در آمریکا و انگلیس.....
۷۳	مصادیق نقض شاخص‌های حقوق بشری توسط آمریکا در جهان.....

الف) نقض شاخص‌های حقوق بشری در داخل آمریکا.....	۷۴
ب) نقض شاخص‌های حقوق بشر توسط آمریکا در سایر کشورها.....	۸۳
ج) مداخلات و خصومت‌های آمریکا در قبال ایران و موارد نقض حقوق بشر توسط آمریکا در ایران.....	۸۶
سابقه مداخلات آمریکا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی.....	۸۶
د. سابقه مداخلات آمریکا در ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی.....	۸۶
ه) جنبش تسخیر وال استریت تازه‌ترین نمود نقض حقوق بشر در آمریکا.....	۸۷
بررسی نقض حقوق بشر توسط انگلیس در داخل این کشور و جهان.....	۸۹
۱. نقض گسترده حقوق بشر در انگلیس به بهانه جنگ علیه تروریسم.....	۹۱
۲. نقش انگلیس در تبعیض‌های پروازی آمریکا.....	۹۲
۳. نقض آشکار حقوق بشر توسط انگلیس در جنگ عراق.....	۹۳
۴. اسلام‌هراسی و تبعیض علیه مسلمانان در انگلیس.....	۹۵
۵. نقض حقوق بشر در ایرلند شمالی.....	۹۷
۶. وضعیت ناپسامان زندان‌ها در انگلیس.....	۹۸
۷. نقض حقوق پناهمجویان و مهاجران در انگلیس.....	۹۹
۸. محدودیت آزادی بیان در انگلیس.....	۱۰۱
مخالفت انگلیس با قانون حقوق بشر اروپایی.....	۱۰۱
استفاده از شکنجه توسط ماموران امنیتی انگلیس.....	۱۰۳
جمع بندی.....	۱۰۳
منابع.....	۱۰۶

مقدمه

حقوق بشر از جمله مفاهیم مهم در نظام بین‌المللی است که امروزه جایگاه ویژه‌ای در مناسبات جهانی پیدا کرده است. گذشته از مباحث و مجادلات موجود پیرامون جهانشمولی یا نسبی بودن ارزش‌ها، اصول و موازین حقوق بشری، این موضوع به یکی از متغیرهای مهم در حوزه‌ی سیاست بین‌الملل و روابط خارجی کشورها تبدیل شده و امروزه بخش مهمی از میزان مقبولیت یک کشور در سطح نظام بین‌الملل با میزان رعایت اصول و موازین حقوق بشر توسط آن کشور پیوند خورده است و در نتیجه این موضوع را به عنوان کانون اصلی توجه افکار بین‌المللی در عصر حاضر قرار داده است. با این حال در باب ماهیت و مبانی حقوق بشر دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد. در حالی که برخی قایل به ماهیت حقوقی این مفهوم بوده و آن را از متفرعات موضوع حقوق بین‌الملل می‌دانند، عده‌ای دیگر بر ماهیت سیاسی آن تأکید کرده و اصالت و سرشت حقوقی آن را مورد تردید قرار می‌دهند. آن‌ها بر رنگ شدن موضوع حقوق بشر در مناسبات بین‌المللی را با خواست و منافع قدرت‌های غربی مرتبط دانسته و بر نقش ابزاری آن در سیاست بین‌الملل تأکید دارند. این ادعا مستند به دو واقعیت مهم است که با رفتارها و سیاست‌های دولت‌های مدعی حقوق بشر ارتباط دارد. نخست برخورد دوگانه‌ی آن‌ها با موضوع حقوق بشر در نظام بین‌الملل به نحوی که وجوه پازادوکسیکال سیاست خارجی آن‌ها را به نمایش می‌گذارد و دوم، وضعیت بعضاً نامساعد حقوق بشر در داخل این کشورها که از رفتار و سیاست‌های داخلی دولت‌های مدعی ناشی می‌شود و موقعیت و موضع آن‌ها به عنوان حامیان حقوق بشر در

دنیا را به چالش می‌کشد. در واقع حقوق بشر معاصر گفتمانی است که در درون خود گفتمان‌های فرعی دیگری را جای داده است. بی‌شک می‌توان ادعا کرد مفاهیم عمیقی چون حق، آزادی، برابری و عدالت که از مهمترین مفاهیم حقوق بشری هستند، آنچنان ریشه گرفته‌اند که هر کدام در جای خود گفتمان پرنفوذی را در عرصه معارف انسانی امروز تشکیل می‌دهند و بدون فهم و شناخت عمیق آنها، درک دقیق و شایسته‌ای از ادبیات معاصر حقوق بشر بدست نخواهد آمد. لذا در خصوص این مفهوم امروزی و کیفیت آن در هر کشوری ابتدا می‌بایست ابتدا ماهیت، چستی و چرایی آن را متناظر با مبانی فلسفی و ارزشی حاکم بر آن جامعه جستجو و مؤلفه‌ها و شاخص‌های ارزیاب از اجرا یا رعایت اصول و قواعد آن را از آن منظر بررسی کرد.

در ادامه سعی بر آن خواهد بود تا با نگاهی مقایسه‌ای به بررسی این مفهوم و مبانی، مؤلفه‌ها و عناصر آن در کشور ایران و مهمترین کشورهای مدعی حقوق بشر یعنی آمریکا و انگلیس پرداخته شود. اما لازمه‌ی این امر ابتدا پرداختن به دیدگاه‌ها و مبانی بنیادین این مفهوم در دنیای غرب و اسلام است. زیرا مؤلفه‌ها، شاخص‌ها و مصادیق این امر مهم خود برگرفته از مبانی مهم معرفت‌شناسی و ارزش‌شناسی حاکم بر دنیای غرب و اسلام بوده و بدون شناخت چنین مبانی و دیدگاه‌هایی نمی‌توان به اظهار نظر قاطعی در خصوص این موضوع پرداخت. در واقع برای اظهار نظر در خصوص این موضوع و کم و کیف مؤلفه‌ها و شاخص‌های آن در ایران و غرب می‌بایست ابتدا به بنیادها و ریشه‌های این موضوع در این کشورها توجه شود.

مفهوم‌شناسی و چیستی حقوق بشر

به دنبال تحول و تکامل در عرصه معرفت و آگاهی بشر این اعتقاد که آدمی صرف‌نظر از مذهب، نژاد، تابعیت، ثروت و سایر امتیازات اجتماعی، از حقوقی برخوردار است که غیرقابل واگذاری و سلب و تغییر می‌باشد و میان آحاد مردم یکسان است، نیز تکامل یافت. در تعریف حقوق بشر - همچون سایر مفاهیم پیچیده انسانی - اختلاف نظر شدیدی وجود دارد و تاکنون تعریف واحدی از حقوق بشر به عمل نیامده است.

با این وجود این حرف نباید ما را گمراه کند، یعنی نباید این ذهنیت پیش آید که در هیچ یک از حقوقی که بشر داراست اتفاق نظر وجود ندارد. در پاره‌ای از این حقوق اختلافی نیست فرضاً همگی بر این اعتقادند که انسان حق حیات دارد و کسی بدون مجوز قانونی حق کشتن فردی را ندارد. بنابراین در اینکه انسان به طور فطری و طبیعی دارای حقوقی است که باید محترم شمرده شود، اختلافی نیست.

با این وجود، شاید بتوان با استفاده از ۱۵ مشخصه اصلی، حدود تعریفی قابل قبول از مفهوم حقوق بشر را ترسیم نمود. این پنج مشخصه عبارتند از:

۱- حقوق بشر عبارت است از خواست‌های فردی برای به دست آوردن دسته‌ای از منافع در قبال دولت. از این دیدگاه حقوق بشر شامل روش‌هایی می‌گردد که برای تحدید قدرت دولت مورد استفاده قرار می‌گیرند.

۲- حقوق بشر محدوده و طیفی را شامل می‌شود که در یک قطب آن حقوق افراد در چارچوب قانون تعریف شده است و در قطب دیگر خواست‌ها و آرزوهای بشر قرار دارد. از این منظر حقوق بشر در آن واحد هم دارای مفهومی حقوقی است و هم دارای مفهومی اخلاقی. شاید بتوان بر اساس این

برداشت حقوق بشر را مجموعه‌ای از هست‌ها و باید‌ها دانست.

۳- حقوق بشر بالذات ارزشی بین‌المللی دارد. به عبارتی بر اساس این دیدگاه، حقوق اساساً باید وسعتی جهانی داشته باشد و منحصر به یک منطقه خاص، مذهب خاص، ملیت، نژاد و جنس نگردد و در آن تنوع و تکثر راه نداشته باشد.

۴- حقوق بشر حالتی انتزاعی و مطلق‌گرا دارد. بر این اساس حق هر فرد و یا گروهی که خواهان احقاق حقوق خویش است محدود به رعایت حقوق دیگران و منافع عمده اجتماعی خواهد بود.

۵- حقوق بشر همان بیان خواست‌های اساسی است. از این منظر حقوق بشر در چارچوب نیازهای اساسی مانند مسکن، غذا، شغل و... می‌باشد (اسم علی، ۱۳۸۳).

به هر حال وجود اختلاف نظر در مباحث تئوریک مربوط به حقوق بشر و فقدان یک تعریف جامع و مانع هرگز نمی‌تواند دلیلی برای نفی و بی‌حرمتی حقوق طبیعی و فطری انسان محسوب گردد.

مهمترین اسناد بین‌المللی حقوق بشر

به طور مشخص امروزه از حیث قواعد و موازین حقوقی و صرف‌نظر از مباحث مربوط به مبانی معرفت‌شناختی، جامعه‌شناختی و فلسفی هر یک از قواعد، تأکید بر این است که اولین سند بین‌المللی - که قواعد انسانی و ضرورت منع تبعیض را شناسایی کرد و به عنوان تعهد حقوقی بر ذمه کشورها قرار گرفت - منشور ملل متحد (سند تاسیسی سازمان ملل) و پس از آن، اعلامیه جهانی حقوق بشر و به دنبال آن مجموعه اسناد و مقرراتی است که

توسط ارگان‌های مختلف سازمان ملل در فرآیندی مشارکتی با حضور نمایندگان کشورها و فرهنگ‌های مختلف جهان و مبتنی بر اراده آزاد کشورها شکل گرفته و تعهداتی را متوجه کشورها کرده است تا در روابط با شهروندان خود یا حتی اتباع کشورهای دیگر موظف به رعایت آن‌ها باشند و متقابلاً قیود و الزاماتی نیز مشخص شده است که شهروندان در روابط با یکدیگر یا با حکومت‌ها رعایت کنند. مجموعه این سندها - که طیف بسیار وسیعی را شامل می‌شود و بر اساس این سندها، ارگان‌ها و نهادهای نظارتی مختلفی نیز شکل گرفته است - از حیث موضوع و محتوا برابر یک دیدگاه فنی به سه طیف تقسیم شده‌اند:

۱. اسنادی که بین سال‌های ۱۹۴۸ تا ۱۹۶۷ با غلبه حقوق سیاسی و مدنی تصویب شده‌اند که معروف و مهم‌ترین آن‌ها میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی است.

۲. اسنادی که پس از ۱۹۸۰ با غلبه حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تصویب شده‌اند که معروف و مهم‌ترین آن‌ها میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است.

۳. اسنادی که پس از ۱۹۸۰ یا حتی سال‌های قبل از آن با مبنای نه حق فردی و نه حق گروهی بلکه بر مبنای حقوق مشترک همه انسان‌ها یا همه شهروندان یک کشور تصویب شده‌اند که به حقوق همبستگی معروف شده و مواردی از قبیل: حق بر محیط زیست سالم، حق بر صلح و امنیت، حق بر

توسعه، حق بر انرژی را در این طیف می‌بینند.^۱

تمامی نهادهای حقوق بشر و فعالیت‌های بین‌المللی حقوق بشری با استناد به اسناد تدوین شده در این زمینه شکل گرفته است و فعالیت آنها نیز بر این اساس تنظیم می‌شود و کشورهای امضاکننده‌ی این اسناد، متعهد و ملزم به رعایت و اجرای موازین مندرج در آنها می‌باشند. مهمترین اسناد عبارت‌اند از:

۱- منشور ملل متحد

۲- اعلامیه جهانی حقوق بشر

۳- کنوانسیون منع و مجازات جرم نسل کشی مصوب ۱۹۴۸

۴- کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین ۱۹۵۰

۵- کنوانسیون بین‌المللی مخو دمه اشکال تبعیض نژادی ۱۹۶۵

۶- میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶

۷- میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ۱۹۶۶

۸- کنفرانس حقوق بشر تهران ۱۹۶۸

۹- اعلامیه‌ها و بیانیه‌های حقوق بشر اسلامی

از مهمترین اسناد اسلامی در خصوص موضوع حقوق بشر می‌توان به بیانیه‌ی قاهره^۲ در خصوص حقوق بشر در اسلام که به اعلامیه حقوق بشر

(۱) نظریه حقوقی تقسیم‌بندی حقوق بشر به سه نسل را ابتدا حقوقدان همکار یونسکو، آقای واساک مطرح کرد که بعداً از سوی بسیاری از حقوقدانان مورد رجوع و تأکید قرار گرفت و حتی طی سال‌های اخیر از نسل چهارم حقوق بشر نیز سخن به میان آمد و مکتوبانی به همین عنوان منتشر شد، متقابلاً برخی نیز عنوان نسل (Generation) را مفید ندانستند و نقدهایی بر آن وارد کردند. ضمناً به زبان فارسی چندی قبل کتابی در حیطه حقوق بشر همبستگی منتشر شد که قابل رجوع است: امیر ساعد وکیل: «نسل سوم حقوق بشر» (حقوق همبستگی)، ۱۳۸۳، انتشارات مجد.

(۲) مصوب نوزدهمین نشست وزرای خارجه کنفرانس اسلامی و قطعنامه شماره ۱۹۹۰ - ۱۹/۴۹ - p

اسلامی معروف شده است اشاره کرد.

از دیگر اسناد بین‌المللی اسلامی حقوق بشر می‌توان به بیانیه‌ی داکا^۱ در خصوص حقوق بشر در اسلام، بیانیه‌ی حقوق و مراقبت از کودک در اسلام^۲ و عهدنامه‌ی ۲۰۰۵ حقوق کودک در منشور سازمان کنفرانس اسلامی^۳ اشاره کرد.

ماهیت متفاوت معاهدات حقوق بشری

ریشه متفاوت معاهدات حقوق بشری با معاهدات متعارف بین‌المللی در این است که برخلاف معاهدات متعارف، معاهدات حقوق بشری نمایانگر مبادله منافع بین کشورهای عضو نیست. در واقع برخلاف معاهدات متعارف، معاهدات حقوق بشر، ماهیت داد و ستدی یا مبادله‌ای ندارند. از همین رو پیشنهاد می‌شود که در جنبه‌های گوناگون اصول حاکم بر اعمال و اجرا و الحاق و حق شرط و... با معاهدات حقوق بشری، نسبت به معاهدات متعارف، برخوردهای متفاوت به عمل آید (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۵).

دیدگاه‌های نظری متفاوت در زمینه حقوق بشر

در تمام اسناد بین‌المللی راجع به حقوق بشر اعم از جهانی، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، محتوای جهانشمولی آنها مسلم فرض شده است. در مقدمه و متن اعلامیه جهانی حقوق بشر، علاوه بر عنوان اصلی آن، چهار بار واژه جهانشمول^۴ بکار رفته است. منشور حقوق بشر و ملل آفریقا^۱ (۱۹۸۱)،

۱) مصوب چهاردهمین نشست وزیرای خارجه کنفرانس اسلامی در دسامبر ۱۹۸۳

۲) مصوب هفتمین کنفرانس سران اسلامی به موجب قطعنامه‌ی شماره c-7/16-1994

3) OIC

4) Universal

کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر ۲ (۱۹۷۸)، اعلامیه حقوق بشر اسلامی قاهره ۳ (۱۹۹۰)، کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادیهای اساسی ۴ (۱۹۵۰)، منشور حقوق بشر عربی ۵ (۲۰۰۴) و بسیاری از اسناد دیگر بر جنبه جهانشمولی حقوق بشر تاکید کرده‌اند.

مطالعه و دسته‌بندی دیدگاه‌های مختلف در باب «جهانشمولی» و «نسبی‌گرایی» حقوق بشر و همچنین بررسی مهمترین اسناد بین‌المللی راجع به آن، این نکته را نمایان می‌سازد که جدال بر سر «جهانشمولی یا نسبی‌گرایی منشأ ایجابی حقوق بشر» یک مقوله است و بحث «نسبی‌گرایی یا مطلق‌گرایی حدود اعمال و اجرای قواعد آن» مقوله‌ای دیگر. بسیاری از کسانی که به نسبت‌گرایی حقوق بشر نظر داده‌اند (نه همه آنها) در واقع بیش از آنکه بر جهانشمولی مبنای حقوق بشر معترض باشند، به حدود اجرای قواعد حقوق بشر معترضند. به عبارت دیگر، نسبی‌گرایی و جهانشمولی را می‌توان هم در بحث «ریشه‌ها» و هم در بحث «محدودیت‌ها»ی اجرای حقوق بشر مورد توجه قرار داد. تفکیک این دو مقوله می‌تواند به این نتیجه منتهی شود که حقوق بشر در عین حالی که در ریشه و مبنا «جهانشمول» است، در اعمال و اجرا به دلیل مواجهه شدن با محدودیت‌های ناشی از ضرورت‌های زندگی اجتماعی «نسبی» است.

منشاء شکاف عمیق بین نظریات نسبی‌گرایی و جهانشمولی رایج دو چیز است: ۱- نوع نگرش طرفداران هر گروه به مقوله حقوق بشر و خلط شدن

1) African [Banjul] Charter on Human and Peoples' Rights

2) American Convention on Human Rights

3) Cairo Declaration on Human Rights in Islam

4) Convention for the Protection of Human Rights and Fundamental Freedoms

5) Arab Charter on Human Rights

بحث «حدپذیری»^۱ حقوق بشر در مقابل مقوله «استثنا ناپذیری»^۲ آن؛ عدم تفکیک بین «حقوق شهروندی»^۳ و ۲- «حقوق بشر» و وارد شدن مصادیق متعددی از «حقوق شهروندی» در اسناد راجع به حقوق بشر.

لذا ابتدا لازم است تا دیدگاه‌های مختلف راجع به جهانشمولی و نسبی‌گرایی و شناسایی مبنای فکری و نوع نگرش پیروان هر دیدگاه، جهانشمولی در «ریشه» در عرصه وجودی حقوق بشر و نسبی‌گرایی در «محدودیت‌ها» در عرصه اجرای این حقوق را بررسی و اثبات کرد. بحث مفهوم و ماهیت «حقوق شهروندی» و ضرورت تفکیک آن از مقوله «حقوق بشر» خود مبحث وسیعی بود که در این نوشتار نمی‌گنجد.

نسبی‌گرایی حقوق بشر

مبنای فکری نسبی‌گرایی حقوق بشر بر این فرضیه استوار است که نمی‌توان تمامی انسان‌ها را به پذیرش مفهوم یکسانی از حقوق بشر سوق داد. زیرا حقوق عبارت از قاعده‌ی رفتار اجتماعی است که مولود جوامع بشری است. به عبارت دیگر از یک سو، هر جا جامعه‌ای هست، حقوق هم هست. از سوی دیگر، ارزش‌های جوامع مختلف یکسان نیستند. بلکه هر جامعه‌ای ویژگی‌ها، باورها، عادات و ارزش‌های خود را دارد. بنابراین هیچ ملتی حق ندارد ایدئولوژی و ارزش‌های خویش را بر ملت دیگری تحمیل کند. حقوق بشر نیز باید براساس ویژگی‌ها، واقعیت‌ها و ارزش‌های هر جامعه‌ای تنظیم گردد. از نظر این گروه در دنیای چند صدایی و چند فرهنگی نمی‌توان از جهانشمولی

1) imitable

2) Unexceptionability

3) civil rights, citizen rights

حقوق بشر دم زد. همانطور که فرهنگ جهانشمول وجود ندارد، پس حقوق بشر جهانشمول هم نمی‌تواند وجود داشته باشد. (درور، ۲۰۰۰)

به اعتقاد این افراد، با وجود تلاش بسیاری از انسان‌دوستان و فعالان حقوق بشر در راستای تعمیم حقوق مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر به تمامی افراد انسانی و علیرغم داعیه این اعلامیه مبنی بر جهانشمولی قواعد آن، ولی اصول مندرج در اعلامیه‌ی مزبور به دلیل عدم توجه به فرهنگهای مختلف نه حامل ارزشهای مشترک تمامی جوامع بشری است و نه می‌تواند از چنین ویژگی برخوردار باشد. البته این مطلب به معنای این نیست که حقوق بشر نباید جهانشمول باشد، بلکه در جهان چند فرهنگی امکان جهانشمولی وجود ندارد. (پروف و زوپانیس، ۲۰۰۶).

در دیدگاه نسبی‌گرایی، آموزه‌های دینی و فرهنگهای سنتی هر ملتی ارزش‌های اساسی آن ملت است که به راحتی قابل تغییر نیست. از این نظر، جامعه به عنوان واحدی بنیادین در مقابل فرد که عضوی از آن جامعه محسوب می‌شود، همیشه در اولویت قرار دارد. فردگرایی به آن مفهومی که همه چیز در خدمت رفاه وی باشد، در مکتب نسبی‌گرایی جایگاه چندانی ندارد. آزادی فرد و حق انتخاب او نه فقط در برابر آزادی و حق انتخاب دیگران، بلکه همیشه با منافع جمعی و مصالح و ارزشهای اجتماعی آن جامعه محدود می‌گردد. برخلاف فرضیه جهانشمولی حقوق بشر که برای فرد حقوق مسلم و جدایی‌ناپذیر قائل است؛ در دیدگاه نسبی‌گرایی فقط به حقوق فرد توجه نمی‌شود، بلکه حقوق و تکالیف انسانها توأمان مورد توجه قرار می‌گیرد. فرد

فقط صاحب حق نیست، بلکه در مقابل جامعه و دیگران نیز از تکالیفی برخوردار است.

نسبی‌گرایی در حقوق بشر ممکن است ناشی از تفاوت‌های فرهنگی مناطق مختلف جهان یا ناشی از آموزه‌های دینی و مذهبی باشد. هر چند آموزه‌های دینی جزئی از فرهنگ ملل مختلف محسوب است و از این حیث نمی‌توان مرز مشخصی بین آن دو ترسیم کرد؛ ولی کسانی که به عدم جهانشمولی حقوق بشر و به نسبی‌گرایی آن اعتقاد دارند، برخی بیشتر به تفاوت‌های منطقه‌ای و برخی دیگر به اختلاف ادیان و مذاهب و آموزه‌های دینی تکیه می‌کنند. بنابراین نسبی‌گرایی را می‌توان به دو دسته منطقه‌گرایی و مذهب‌گرایی تقسیم کرد:

منطقه‌گرایی^۱: تاکید پیروان منطقه‌گرایی که گاهی به دلیل اصرار در فرهنگ‌های مناطق مختلف به نسبی‌گرایی فرهنگی^۲ نیز شناخته می‌شود (دانلی، ۱۳۸۰، ص ۹۹). بر این است که محتوای حقوق بشر با فرهنگ و آداب و سنن ملت‌ها آمیخته است. زیرا حقوق بشر ریشه در عادات^۳ و فرهنگ‌هایی^۴ دارد که از کشوری به کشور دیگر مختلف است. فرهنگ و عادات‌های مردم کشورهای آفریقایی با فرهنگ و عادات‌های مردم کشورهای اروپایی و آمریکای شمالی یکی نیست. اهالی کشور هند و چین همانند اهالی سرزمین‌های دیگر زندگی نمی‌کنند. زندگی و رسومات محلی ساکنان آمریکای جنوبی با مردمان ساکن در آمریکای شمالی نیز یکسان نیست. اعتقادات و فرهنگ کشورهای شرق

1) Localism

2) cultural relativism

3) practices

4) cultures

آسیا که به ارزشهای آسیایی^۱ معروف است با اعتقادات دیگر ملل جهان متفاوت است. بسیاری از ارزشهای غربی که منبعث از نگاه اومانیستی است، در دنیای جهان سوم و کشورهای جنوب از جایگاهی برخوردار نیست و بلکه ضد ارزش و غیر قابل تحمل است (ماسالو، ۱۹۹۷).

نصوب اعلامیه‌های منطقه‌ای مثل، اعلامیه بانکوک^۲ (۱۹۹۳)، منشور حقوق بشر ملل آفریقایی، اعلامیه آمریکایی حقوق و تکالیف انسان^۳ (۱۹۴۸) و کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر از اسنادی است که رویکردی منطقه‌ای دارند. مذهب‌گرایی^۴ در نظریه نسبی‌گرایی مذهبی بر این نکته تاکید می‌شود که که حقوق بشر مجموعه‌ای از ارزشهایی است که در بطن دین نهفته است. حقوق بشر مجموعه‌ای از حداقل‌هایی است که از سوی صاحب شریعت برای انسانها وضع شده است. به اعتقاد اینان «ابتدا حقوق برای انسان نمی‌تواند از سوی انسان باشد» (دهقانی نیا، ۱۳۸۷).

نسبی‌گرایی مذهبی بر پایه دو پیش فرض استوار است:

- ۱- حقوق بشر منشاء دینی دارد و نمی‌تواند ساخت بشر باشد.
- ۲- پلورالیزم دینی و اعتقاد به صراط‌های مستقیم در جامعه جهانی حاکم است. زیرا رجحانی بین ادیان مختلف وجود ندارد و هر دینی برای پیروان آن دین بر حق است. لذا از این منظر می‌توان از حقوق بشر اسلامی، حقوق بشر مسیحی، حقوق بشر هندویی، حقوق بشر بودایی

1) Asian values

۲) اعلامیه بانکوک (The Bangkok Declaration) راجع به حقوق بشر در دوم آوریل ۱۹۹۳ توسط نمایندگان ۴۰ کشور آسیایی امضا شد.

3) American Declaration of the Rights and Duties of Man

4) Religionism